

نقش مردم در تشکیل، اداره و حفظ حکومت اسلامی

عنوان پژوهش

۴. راهکارهای مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۳۰

تاریخ: ۱۳۹۲/۶/۱۰



شناسنامه

عنوان:

نقش مردم در تشکیل، اداره و حفظ حکومت اسلامی

۴. راهکارهای مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی

تهیه و تدوین:

علی فتاحی زفرقندی

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۳۰

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۰۶/۱۰

مرکز تحقیقات شورای نگهبان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

چکیده.....	۲
مقدمه.....	۳
۱- انقلاب.....	۵
۱-۱. مفهوم انقلاب.....	۵
۲-۱. مبانی فقهی انقلاب.....	۷
۳-۱. راهکارهای تحقق انقلاب سیاسی.....	۸
- اولویت اقدام در انقلاب.....	۹
۲- تعامل و همکاری با حکومت‌های غیر اسلامی.....	۱۲
۱-۲. مفهوم تعامل.....	۱۲
۲-۲. مبانی فقهی تعامل.....	۱۲
۳-۲. اشکال تعامل با حکومت‌های غیر اسلامی.....	۱۳
۱-۳-۲. تعامل بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۴
۲-۳-۲. تعامل بر بنای مصلحت.....	۱۴
۳-۳-۲. تشکیل دولت در دولت.....	۱۶
تبیجه‌گیری.....	۱۷
یادداشت‌ها.....	۱۹
منابع و مأخذ.....	۲۲

چکیده

تشکیل حکومت به عنوان نیاز دایمی جوامع انسان؛ با توجه به تعلیمات اسلامی از دو جهت مفید گردیده است: اولاً مراجعه به حکومت‌های غیر اسلامی در همه شئون مشمول حکم حرمت است و ثانیاً تشکیل حکومت اسلامی به عنوان یکی از اوامر خداوند متعال خود دارای موضوعیت است. بنابراین دو قید بر عموم مسلمانان واجب است تا جهت مقدمه‌سازی برای تشکیل حکومت اسلامی زمینه‌های لازم جهت براندازی حکومت‌های غیر اسلامی را فراهم آورند. لذا باید راهکارهای پیشروی امت اسلامی جهت تحقق این امر مورد مطالعه قرار گیرد. در همین راستا در این مقاله سعی شده است ابتدا به بررسی موضوع انقلاب و براندازی حکومت‌های غیر اسلامی با تحلیل مفهوم، مبانی و اولویت‌های آن بپردازد. سپس موضوع تعامل با حکومت‌های غیر اسلامی در صورت عدم امکان براندازی این حکومت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد اولویت اصلی در مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی براندازی این حکومت‌ها بر اساس مراتب امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد و در صورت عدم امکان براندازی حکومت‌های غیر اسلامی تعامل در جهت اجرای هر چه بیشتر احکام اسلامی در عرصه اجتماعی معنا می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: حکومت غیر اسلامی، انقلاب و براندازی، تعامل، مبانی فقهی.

مقدمه

بنا بر حکم قاعده عقلی تشکیل حکومت یکی از ضروریات زندگی اجتماعی بشر می‌باشد و انسان به عنوان موجودی اجتماعی در همه اعصار به حکومتی برای سروسامان بخشیدن به اوضاع جامعه خویش نیازمند است چراکه طبیعت انسان با زندگی اجتماعی گره خورده است و زندگی اجتماعی در سایه تعاون و همراهی مردم با یکدیگر سامان می‌یابد. در سیر تحقق نظام اجتماعی از آن جا که منافع انسان‌ها بر اساس امیال و شهوات و غرایز شکل گرفته است با یکدیگر تعارض می‌یابد و تعارض نیازمند نظامی جهت تحقق نظم و جلوگیری از هرج و مرج تحت عنوان حکومت می‌باشد. بنابراین تشکیل حکومت بر اساس طبیعت اجتماعی انسان برای تمامی افراد بشر لازم و ضروری است. این در حالی است که مسلمانان در راستای تحقق این نیاز اجتماعی یا تشکیل حکومت محدود به دو حکم تکلیفی از ناحیه خداوند متعال می‌باشند. از یک طرف مراجعه به حکومت‌های غیر اسلامی مشمول حکم حرمت می‌گردد و از طرف دیگر تشکیل حکومت اسلامی از باب مقدمه واجب بر تمام امت اسلامی واجب و ضروری است. به عبارت دیگر مراجعه به حکومت‌های غیر اسلامی در همه شئون حکومتی اعم از تقنین، اجرا و قضا مورد نهی خداوند قرار گرفته است و مسلمانان حق رجوع به حکومت‌هایی که فاقد مشروعیت الهی باشد را ندارند و در صورت ارتکاب به چنین عملی مستوجب جزا و عقاب می‌باشند. از سوی دیگر تشکیل حکومت اسلامی نیز خود دارای موضوعیت است و از آن جا که تشکیل حکومت مقدمه‌ای برای اجرای احکام الهی است و اجرای کامل دین منوط به تشکیل حکومت می‌باشد بر همه مسلمانان واجب است که زمینه‌ها و مقدمات تشکیل حکومت دینی را فراهم نمایند.^(۱)

از قرار گرفتن این دو حکم در کنار حکم لزوم تشکیل حکومت در همه اعصار؛ می‌توان لزوم مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی را نتیجه گرفت چرا که حکم حرمت مراجعه به حکومت‌های غیر اسلامی، مسلمانان را از مراجعه به حکومت‌هایی که حاکمان آنها فاقد مشروعیت و اذن الهی می‌باشند منع می‌نماید. و این در حالی است که مردم برای ادامه زندگی اجتماعی خود نیازمند به حکومتی هستند که اداره امور اجتماعی آنان را در دست بگیرد و نفی حکومت‌های غیر اسلامی عقلاً مستلزم تبیین

ویژگی‌هایی برای حکومت مطلوب الهی و مراجعه به حاکمان مشروع است. بنابراین بر همه مسلمانان واجب است که جهت جلوگیری از ارتکاب به حرام و فراهم نمودن مقدمات تشکیل حکومت اسلامی شرایط لازم را فراهم نمایند. یکی از مهم‌ترین مقدمات لازم برای تحقق این امر براندازی حکومت‌های غیر اسلامی جهت تشکیل حکومت اسلامی است.

بعد از شناخت حکم رجوع به حکومت‌های غیر اسلامی و لزوم مقابله با آنها؛ آنچه اهمیت دارد نحوه و راهکارهای مبارزه با حکومت‌های غیر اسلامی است. به عبارت دیگر امت اسلامی برای انجام وظیفه خود در برابر حکومت‌های غیر اسلامی چه راهکارهایی پیش رو دارند؟ آیا از هر طریقی می‌توان برای تشکیل حکومت اسلامی و مبارزه با حکومت‌های غیر اسلامی برنامه‌ریزی نمود؟ حکم انقلاب و براندازی حکومت‌های غیر اسلامی چیست؟ مبانی فقهی انقلاب و قیام علیه حکومت‌های غیر اسلامی چیست؟ قیام مسلحانه علیه چنین حکومت‌هایی جایز است؟ در فرض زمانی که امکان مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی به هر دلیلی مثل عدم حضور مردم در حد کفایت، وجود ندارد آیا وظیفه از دوش مردم ساقط می‌گردد یا آن که باید برای اجرای احکام اجتماعی اسلام با استفاده از راهکارهای دیگری اقدام نمود؟ حکم تعامل با حکومت‌های غیر اسلامی هنگامی که زمینه‌ساز اجرای احکام اجتماعی اسلام باشد؛ چیست؟ آیا فقها پیرامون مبانی فقهی تعامل با حکومت‌های غیر اسلامی اظهار نظر نموده‌اند؟

در جهت پاسخ گویی به سؤالاتی از این دست باید توجه نمود که مردم در همه زمان‌ها حاضر به حضور و آماده‌سازی شرایط و مقدمات تشکیل حکومت اسلامی نیستند. بنابر این جهت مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی دو فرض کلی قابل تصور است: اول انقلاب و براندازی حکومت غیر اسلامی که مقدمه تشکیل حکومت اسلامی در معنای واقعی آن است و دوم تعامل با حکومت غیر اسلامی جهت اجرای احکام اسلام در عرصه اجتماعی تا حد امکان در دوره‌ای که مردم در حد کفایت حاضر به اقدام برای تشکیل حکومت اسلامی نیستند. بخش اول به بررسی مفهوم انقلاب و مشروعیت‌زایی، مبانی فقهی و اقسام آن و بررسی حکم قیام مسلحانه علیه حکومت‌های غیر اسلامی اختصاص می‌یابد. بخش دوم مبحث تعامل با حکومت‌های غیر اسلامی،

اشکال آن و آثار تعامل مردم تحت رهبری فقهای شیعه در طول تاریخ را مطالعه می‌نماید.

پیش از ورود به بحث لازم به ذکر است که مطلوب خداوند متعال، تشکیل حکومت و اجرای کامل احکام اسلامی است^(۲) که این امر با مقابله و براندازی حکومت غیر اسلامی و تشکیل حکومتی بر مبنای دستورات الهی ممکن خواهد بود. به همین علت انقلاب و قیام علیه حکومت‌های غیر اسلامی اولویت اصلی در مبارزه با چنین حکومت‌هایی است و در صورت تعذر و عدم امکان مبارزه با حکومت غیر اسلامی راهکار تعامل معنا می‌یابد.

۱- انقلاب

جهت بررسی ابعاد مختلف انقلاب و براندازی به عنوان راهکاری در برابر حکومت‌های غیر اسلامی لازم است ابتدا به بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی انقلاب پرداخته و پس از آن مبانی دینی انقلاب علیه چنین حکومت‌هایی را مورد مطالعه قرار دهیم.

۱-۱. مفهوم انقلاب

انقلاب از ریشه قلب و در معنای دگرگون و زیرو رو شدن، شورش و عصیان و قیام گروهی برای واژگون کردن حکومت به کار رفته است (معین، ۱۳۶۰، انقلاب: ۳۸۷)؛ این واژه در معنای سیاسی خود معادل revolution در زبان انگلیسی است و ورود آن به عرصه سیاست به انقلاب ۱۹۶۶ انگلستان و تسلط پارلمان بر مقام سلطنت بازمی‌گردد (علی بابایی، ۱۳۶۹: ۳۶). در زبان عربی انقلاب دارای مفهوم سیاسی نیست و اعراب برای این مفهوم از واژه «الثوره» استفاده می‌نمایند (نخعی، ۱۳۹۰: ۱۴۰)؛ لازم به ذکر است که استعمالات قرآنی واژه انقلاب نیز در مفاهیم سیاسی نیست (قرشی، ۱۴۱۲، ۲۴).

در اصطلاح علوم سیاسی با توجه به ابعاد گوناگون و متفاوت مسأله انقلاب تعاریف مختلفی نیز ارائه گردیده است (ابوالحمد، ۱۳۸۴: ۳۵۷ به بعد). برخی انقلاب را به معنای تغییر در نظام و نهادهای سیاسی و الگوهای حاکمیت می‌دانند. به عبارت دیگر انقلاب تحولی خشونت بار و مردمی است که هدف بنیادین آن، تغییرات سریع و

اساسی در ارزش‌ها و باورهای مسلط و ساختارهای اجتماعی و سیاسی یک جامعه می‌باشد (محمدی، ۱۳۸۰: ۳۲). از رویکرد دیگری انقلاب به مفهوم تحول ناگهانی در نظام سیاسی است که غالب شئون نظام پیشین را دگرگون می‌سازد از این منظر فتح مکه به وسیله رسول خدا که حکومت اشراف عرب را براندازی نمود نیز انقلاب محسوب می‌گردد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۶۹۳). از یک منظر انقلاب به معنای دگرگونی بنیادین در همه زمینه‌ها اعم از اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی و به‌طور ویژه در جنبه‌های سیاسی است. دگرگونی در زمینه‌های ذکر شده تنها با سرنگونی نظام سیاسی حاکم محقق می‌گردد و غالباً با خشونت و خونریزی همراه است (ابو الحمد، ۱۳۸۴: ۳۶۴). بررسی تعاریف مختلف از انقلاب در بر دارنده معیارهای و شاخصه‌هایی است که به‌واسطه آنها می‌توان بیش از پیش به ابعاد این مفهوم واقف گردید.

۱- توسل به زور: از آنجا که نظم سیاسی حاکم بر فضای جامعه دیگر توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای مردمی را ندارد و قانون‌طریقی در برابر آنان برای رسیدن به اهداف و خواسته‌ها قرار نمی‌دهد، تنها راه پیش‌رو؛ اعمال قدرت از طرق غیر قانونی و توسل به زور است.

۲- مردمی بودن: بسیج توده‌های مردم برای دستیابی به اهداف مشخص یکی از معیارهای شکل‌گیری انقلاب سیاسی است.

۳- رهبری و سازماندهی مشخص: در حرکت‌های انقلابی نحوه هدایت نیروهای مردمی و سازماندهی آنان در راستای مقابله با حکومت از اهمیت فراوانی برخوردار است این مهم بر عهده رهبران انقلاب است (گی‌روشه، ۱۳۶۶: ۱۴۵ به بعد).

لازم به ذکر است که مفهوم و معیارهای انقلاب در سده اخیر با بروز حرکت‌های موسوم به انقلاب نرم دچار تحول گردیده است و شاخصه‌هایی مانند خشونت در انقلاب‌های امروزی ملاحظه نمی‌شود (قدوسی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۹).

آنچه از مفهوم انقلاب در راستای فهم موضوع این مقاله نیازمند توجه است حرکت عمومی مردم برای براندازی نظم سیاسی مستقر و حاکم در نظام سیاسی به وسیله مسلمانان برای تشکیل حکومت مشروع می‌باشد؛ به عبارت دیگر مفهوم مورد نظر از انقلاب، بسیج توان عموم امت برای براندازی حکومت غیر اسلامی به عنوان مقدمه‌ای برای تشکیل حکومت اسلامی است و در این میان تعارضی میان انقلاب همراه با خشونت و انقلاب‌های نرم نیست.

لازم به ذکر است که مبتنی بر مفهوم انقلاب، مردم و رهبری دو رکن اصلی قیام به حساب می‌آیند و و هیچ یک به تنهایی توانایی مقابله و براندازی حکومت‌ها را ندارند و وظایف و تکالیف مجزایی متوجه هر دو رکن خواهد بود.

۲-۱. مبانی فقهی انقلاب

اکنون که مفهوم مورد نظر از انقلاب روشن گردید باید به بررسی مبانی دینی انقلاب و یا حرکت عمومی مردم در جهت براندازی حکومت‌های غیر اسلامی پرداخت. مبنا به مفهوم پایه یک چیز و مبنای دینی به آن تکالیف کلی و قطعی اطلاق می‌گردد که مسأله مورد بحث یکی از مصادیق آن است (ورعی و ناصری، ۱۳۸۸: ۱۵۶). به عبارت دیگر دین مبین اسلام شامل مجموعه دستورات کلی و غیر قابل تردیدی است که با استفاده از آنها لزوم انقلاب علیه حکومت‌های غیر اسلامی استنباط می‌گردد.

از جمله این احکام می‌توان به کلیات امر به معروف و نهی از منکر، کلیات جهاد، نفی سلطه اجانب و وجوب مبارزه با ظلم اشاره نمود.^(۳) فقها با استناد به اطلاعات و عموماً ادله امر به معروف و نهی از منکر در ذیل این باب لزوم قیام علیه حکومت‌های غیر اسلامی را از طریق امر به معروف و نهی از منکر اجتماع نتیجه‌گیری می‌نمایند (امام خمینی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۴۴۰). تعمیم ادله فقهی جهاد که در بردارنده اقسام مختلفی از جمله جهاد با نفس، جهاد سیاسی، جهاد اجتماعی نیز می‌گردد شامل جهاد علیه حکومت‌های غیر اسلامی نیز می‌باشد (کعبی، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۲). ظلم‌ستیزی و مبارزه با ظالم به عنوان یکی از مبانی فقهی انقلاب علیه حکومت‌های غیر اسلامی قابل استناد است. علاوه بر حرمت ظلم همکاری و یاری رساندن به ظالم (انصاری، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۶۲-۱۶۰)، مخالفت و مبارزه با ظلم نیز واجب است و بر مبنای آن برای ازبین بردن ظلم در جامعه وظیفه آحاد امت به حساب می‌آید (ورعی و ناصری، ۱۳۸۸: ۱۷۹).^(۴)

با استناد به ادله و مبانی فوق، فقها قیام علیه حاکم غیر اسلامی را واجب می‌دانند. چرا که عدم اقدام برای براندازی حاکم غیر اسلامی منجر به استقرار و دوام حاکمیت او می‌گردد و این امر مورد نهی خداوند متعال قرار گرفته است و با احکامی دینی مانند وجوب امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و وجوب تشکیل حکومت اسلامی در تعارض است و با استفاده از آنها حکم وجوب انقلاب بر عهده مسلمانان ثابت می‌گردد (کعبی، ۱۳۹۲: ۱۸).

۳-۱. راهکارهای تحقق انقلاب سیاسی

بعد از روشن شدن مفهوم انقلاب و مبنای دینی آن ضروری است تا راهکارهای براندازی حکومت‌های غیر اسلامی مورد مطالعه قرار گیرد. به طور کلی می‌توان انقلاب‌های سیاسی جهت تغییر حکومت‌ها را در دو دسته کلی انقلاب‌های سخت یا متعارف و براندازی نرم یا انقلاب‌های رنگین تقسیم‌بندی نمود (وزیری، ۱۳۹۰: ۱۱۱-۱۰۰؛ نخعی، ۱۳۹۰: ۱۴۷). بر همین مبنا ضروری است ابتدا تعریف و جایگاه هر یک از اقسام براندازی روشن شود تا بر اساس آن مشخص گردد که در مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی به عنوان مقدمه تشکیل حکومت اسلامی کدام یک از آنها دارای اولویت است.

براندازی نرم به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌گردد که در به صورت مسالمت‌آمیز و بدون استفاده از اعمال خشونت‌آمیز در راستای براندازی نظام سیاسی حاکم و به وسیله مردم انجام می‌گیرد (داداشی، ۱۳۸۶: ۴)؛ به عبارت دیگر قدرت دارای دو چهره سخت و نرم می‌باشد. گاهی قدرت به واسطه زور، اجبار و خشونت اعمال می‌گردد اما گاهی جریان قدرت به دنبال اقتناع و جلب رضایت مردم در به دست گرفتن حاکمیت سیاسی می‌باشد و با استفاده از راهکارهای قدرت نرم خواسته خود را در اجتماع محقق می‌نماید (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۴). بنابراین هرگاه از برنامه‌ای حساب شده و مسالمت‌آمیز در طول زمان به جهت نفوذ در ارکان سیاسی و اجتماعی یک حکومت با هدف ایجاد تغییر در حاکمیت سیاسی استفاده گردد براندازی نرم محقق شده است (شریفی، ۱۳۹۰: ۲۶). معمولاً محور اصلی برنامه‌ها در این نوع براندازی برنامه‌ریزی کامل و دقیق با استفاده از اقدامات اجتماعی و تبلیغی است به نحوی که عموم مردم در همسویی با آن گام بردارند. در مقابل مفهوم براندازی نرم، مفهوم انقلاب و یا براندازی سخت قرار دارد. براندازی سخت مجموعه اقدامات خشونت‌آمیز با هدف تغییر حکومت و یا نظام سیاسی می‌باشد (شریفی، ۱۳۹۰: ۲۵). این نوع از براندازی شامل تمام عناصر سه‌گانه انقلاب (مردمی بودن، بسیج نیروهای عمومی و خشونت و طغیان) می‌گردد.

تمایز عمده انقلاب‌های نرم و سخت در نحوه و شکل تحقق آنها است اما در نهایت هر دو به یک هدف که همان سرنگونی نظام حاکم و تشکیل حکومتی بر اساس مبانی جدید است منجر می‌گردد (وزیری، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

— اولویت اقدام در انقلاب

آنچه دارای اهمیت است بررسی اولویت هر یک از اقدامات فوق در راستای مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی می‌باشد به عبارت دیگر امت اسلامی در مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی جهت براندازی این حکومت‌ها در استفاده از هر یک از این راهکارها مختار است و یا برنامه‌ریزی در این زمینه اقتضاء اولویت یکی بر دیگری را دارد و میان آنها تقدم و تاخر وجود دارد؟

بررسی مبانی فقهی انقلاب در اندیشه فقهای شیعه نشانگر آن است که میان استفاده از راهکارهای مسالمت‌آمیز (براندازی نرم) و به کارگیری خشونت و مبارزه مسلحانه (انقلاب سخت) قائل به وجود ترتب بوده و با توجه به شرایط زمان و مکان در طیفی از تقدم و تاخر دسته‌بندی می‌گردد. همان‌طور که پیش از این ذکر گردید فقها در جهت اثبات لزوم براندازی حکومت‌های غیر اسلامی به ادله گوناگونی مانند جهاد، لزوم جلوگیری از ظلم ظالم، حرمت پذیرش حکومت‌های غیر اسلامی و... استناد نموده‌اند اما در این میان ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. چرا که از یک سو حکومت‌های غیر اسلامی با تصدی حکومت امکان تشکیل حکومت مشروع را از بین برده و در مقابل نیز مردم در صورت رجوع به چنین حکومت‌هایی مشمول حکم حرمت مراجعه به حکومت‌های غیر اسلامی می‌گردند و از سویی دیگر تشکیل حکومت اسلامی خود زمینه را برای اجرای بسیاری از احکام الهی فراهم می‌نماید. براین اساس می‌توان شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بهترین معیار برای دسته‌بندی اقدام علیه حکومت‌های غیر اسلامی قرار داد و راهی را برگزید که کمترین زیان و بیشترین فایده را برای امت اسلامی در مقدمه‌سازی تشکیل حکومت دینی به ارمغان می‌آورد (منتظری، ۱۴۰۹: ۳۹۰)؛ بنابراین مسلمانان باید با در نظر گرفتن مراتب و شرایط امر به معروف و نهی از منکر از اقدامات نرم و مسالمت‌آمیز آغاز نمایند و در صورت عدم امکان براندازی از این طریق از روش‌های شدیدتری استفاده نمایند (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۱۱۱). فقها در کتاب امر به معروف و نهی از منکر به بیان مراتب آن می‌پردازند و سه مرحله را برای آن در نظر می‌گیرند. مرحله اول جلوگیری از منکر و یا امر به معروف از تغییر در طریق برخورد ظاهری است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۶: ۳۴۱)؛ که استفاده از این راهکار به وضوح امکان

براندازی حکومت را فراهم نمی‌نماید. مرحله دوم امر به معروف و نهی از منکر از طریق اقدامات غیر عملی مانند نصیحت انجام می‌گیرد^(۵) (خمینی، ۱۴۲۶: ۶۰۰). این راهکار به مثابه براندازی نرم در مفهوم مصطلح سیاسی است به این ترتیب که امت اسلامی از طریق راهکارهای مسالمت‌آمیز اقدام به مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی می‌نمایند. برنامه‌ریزی در زمینه ایجاد رشد سیاسی، تشکیل احزاب، دسته‌ها و جمعیت‌های مختلف به نحو آشکار و پنهان، اقناع عمومی از نامشروع بودن حکومت، حرمت مراجعه به حکومت‌های غیر اسلامی، وجوب تشکیل حکومت اسلامی، متزلزل نمودن پایه‌های حکومت غیر اسلامی از طریق کاهش اقبال عمومی، برنامه‌ریزی تظاهرات و راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیز، هدایت نافرمانی‌های مدنی^(۶) به سمت مقابله با حکومت و... اقداماتی در زمینه براندازی نرم حکومت غیر اسلامی با استناد به راهکار امر به معروف و نهی از منکر است (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۸۹-۳۹۰). در اندیشه فقهای شیعه تفکر براندازی نرم تحت عناوینی مانند زمینه‌سازی مثبت برای ظهور حضرت بقیه الله الاعظم مورد توجه قرار گرفته است (حلبی، ۱۴۰۴: ۴۴۱). امام خمینی (ره) در مقابله با رژیم نامشروع پهلوی نیز با استفاده از همین راهکار اقدام به براندازی حکومت غیر اسلامی وقت و تشکیل حکومت اسلامی نمود (کعبی، ۱۳۹۲: ۱۴).

سومین راهکار از مراتب امر به معروف و نهی از منکر توسل به زور و اجبار است. هنگامی که تحقق واجب و جلوگیری از منکر تنها از طریق اعمال زور و اجبار ممکن است، مسلمانان باید از این طریق عمل نموده و به اقدام عملی در برابر حکومت‌های غیر اسلامی روی آورند. بنابراین هنگامی که امکان مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی از طریق برنامه‌ریزی و اقدامات مسالمت‌آمیز وجود ندارد استفاده از خشونت و زور جهت براندازی این حکومت‌ها موضوعیت می‌یابد (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۱۱۱). بنابراین اگر بهره‌مندی از راهکارهای مسالمت‌آمیز موجب حصول نتیجه مطلوب در مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی نگردید هنگام استفاده از قوه قهریه و حتی قیام مسلحانه است. دلایلی مانند ضرورت بازگرداندن حکومت به مسیر اصلی، آیات و روایات امر به معروف و نهی از منکر، قیام سید الشهداء امام حسین (ع)، قیام و انقلاب زید بن علی «ره»، قیام و انقلاب حسین بن علی «ره» شهید فخر، ادله قیام ائمه معصومین (ع) در صورت وجود نیرو و یاور، پیمان خداوند از دانایان بر دفاع از حقوق ستم‌دیدگان، اطلاق ادله

مجازات محارب و مفسد فی الارض، اطلاق ادله ضرورت مبارزه با بغات، روایات نكوهش از حاكم ستمگر دلالت بر لزوم مقابله با حكومت‌های غیر اسلامی حتی از طریق قیام مسلحانه را تأیید می‌نماید.^(۷) لازم به ذکر است از آن جا که در فتاوی فقها شرط عدم وجود مفسده به عنوان یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر ذکر گردیده؛^(۸) و در مسیر مبارزه با حکومت‌های غیر اسلامی مال و جان و ناموس مسلمین در خطر تعرض قرار می‌گیرد. این سؤال در ذهن پدیدار می‌گردد که آیا قیام علیه حکومت‌های غیر اسلامی با وجود چنین مفسده‌ای جایز است؟ در پاسخ به این سؤال باید به جایگاه شخص مورد خطاب امر به معروف و نهی از منکر و معروفی که به وسیله او ترک گردیده و منکری که انجام گرفته است توجه گردد. هنگامی که عمل توسط شخصی صورت می‌گیرد که الگو و سرمشق مردم در زندگی اجتماعی است و یا ترک معروف و عمل به منکر آن قدر دارای اهمیت است که مسأله‌ای مانند حفظ کیان دین در میان باشد همه مفسده‌های کوچکتر فدای جلوگیری از مفسد بزرگتر می‌گردد (ارسطا، ۱۳۸۱: ۱۲۴). برای نمونه تشکیل حکومتی بر مبنای قسط و عدل اسلامی و یا حفظ وحدت مسلمین از مصالح مهم مسلمانان است که امر به معروف و نهی از منکر در آن مرز نمی‌شناسد و هیچ مسأله‌ای با آن برابری نمی‌کند (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱۷: ۲۶۷).

بر مبنای آنچه تا کنون گذشت اقدام برای براندازی حکومت‌های غیر اسلامی وظیفه مسلمانان در جهت مقدمه‌سازی برای تشکیل حکومت اسلامی و خروج از شمول حکم حرمت مراجعه به حکومت‌های اسلامی است و امت مسلمان باید برای تحقق این امر اقدام نماید، اما براندازی و انقلاب بر اساس مراتب امر به معروف و نهی از منکر دارای راهکارهایی است که باید متناسب با زمان و مکان برخورد و از طریق راهکار متناسبی که دارای کمترین ضرر و بیشترین فایده است اقدام نمایند و در صورتی که با استفاده از مراتب پایین تر براندازی حکومت‌های غیر اسلامی ممکن باشد تمسک به راهکارهای شدید تر مانند اقدامات عملی و قیام مسلحانه جایز نیست. در تبیین این عبارت لازم به ذکر است همانطور که برای امر به معروف و نهی مراتبی بیان گردیده است در صورتی که دستیابی به اهداف با به کارگیری مرتبه پائین تر ممکن باشد (حتی اگر احتمال حصول آن موجود است) تمسک به مرتبه بالاتر جایز نیست (خمينی، ۱۴۲۵: ۳۱۱).

۲- تعامل و همکاری با حکومت‌های غیر اسلامی

همان‌گونه که بیان گردید مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی برای براندازی آنها در جهت مقدمه‌سازی تشکیل حکومت اسلامی یکی از اوامر خداوند متعال است که تحقق آن بر عهده همه امت اسلامی است و در صورت کوتاهی از این امر گنه کار محسوب می‌گردند، اما تاریخ نشان می‌دهد مردم در همه اعصار حاضر به حضور در صحنه و یاری امام معصوم و یا فقیه جامع‌الشرایط جهت آماده‌سازی مقدمات و تشکیل حکومت اسلامی نبوده‌اند و به این ترتیب امکان مقابله و براندازی حکومت‌های غیر اسلامی در عمل غیر ممکن بوده است. از طرف دیگر اثبات گردید که سکوت در برابر حکومت‌های غیر اسلامی جائز نیست اما وظیفه آن عده‌ای که آمادگی خود را برای فراهم نمودن مقدمات تشکیل حکومت اسلامی مانند مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی اعلام نموده‌اند در این دوره چیست؟

بررسی مجموعه منابع و آثار دینی نشانگر آن است که در دوره‌هایی که امت اسلامی به هر دلیلی توانایی مقابله با حکومت غیر اسلامی را ندارد باید در حد امکان موجبات تحقق احکام اجتماعی دین را فراهم آورد. جهت مطالعه این موضوع ابتدا مرور مختصری بر مبانی فقهی تعامل با حکومت‌های غیر اسلامی خواهیم داشت و بعد از آن اقسام و آثار تعامل را بررسی می‌نماییم.

۲-۱. مفهوم تعامل

تعامل در لغت به معنای با یکدیگر داد و ستد کردن است (دهخدا، بی تا: تعامل)؛ اما همان‌گونه که بیان گردید مقدمات تشکیل حکومت اسلامی مانند مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی در برخی از دوره‌های تاریخی به دلایل مختلف امکان پذیر نیست، بنابراین مسلمانان مجبور به پذیرش نظم سیاسی موجود و تلاش برای فراهم نمودن شرایط اجرای احکام دین در جامعه می‌باشند که مجموعه اقدامات امت برای این منظور در این مقاله تعامل نامیده می‌شود. به عبارت دیگر تعامل در مفهوم همکاری با حکومت‌های غیر اسلامی جهت اجرای اوامر الهی در عرصه فردی و اجتماعی و تصحیح مسیر حرکت حکومت به سمت و سوی مورد نظر خداوند متعال می‌باشد.

۲-۲. مبانی فقهی تعامل

از آنجا که نظریه مورد پذیرش علمای شیعه در زمینه حکومت اسلامی نظریه

مشروعیت حکومت امام معصوم و یا فرد مأذون از جانب اوست؛ نگاهی به ادله مسلم و غیر قابل تردید دینی نشان می‌دهد تعامل با حکومت‌های غیر اسلامی در دوره‌هایی که امکان مقابله با این حکومت‌ها وجود ندارد و اجرای برخی احکام الهی در جامعه مسلمین منوط به تعامل با حکومت‌های غیر اسلامی است؛ به عنوان حکم دینی و وظیفه شرعی قابل بررسی خواهد بود.

دلایلی مانند مصلحت،^(۹) ضرورت،^(۱۰) تقیه،^(۱۱) اطلاق وجوب امر به معروف و نهی از منکر و اطلاق جلوگیری از ظلم ظالم به عنوان مهم ترین و اصلی ترین ادله دینی تعامل با حکومت‌های غیر اسلامی مطرح شده‌اند (قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۷). فقها با استناد به مبانی فقهی مختلفی که به برخی از آنها اشاره شد، در دوره‌ای که امکان مقابله با حکومت غیر اسلامی وجود ندارد تعامل با آن جهت اجرای دین و حفظ مال و جان و ناموس مسلمانان مشروع دانسته شده است (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۶۷). در حقیقت این حکم مبتنی بر قاعده احکام ثانویه^(۱۲) در شریعت اسلام است که بر اساس آن حکم اولیه لزوم تشکیل حکومت بنابر دلایلی همچون مصلحت، ضرورت، تقیه و برخی ادله دیگر به لزوم تعامل با حکومت‌های غیر اسلامی تبدیل می‌گردد. به عبارت دیگر تعامل با حکومت‌های غیر اسلامی نیز به اقتضای شرایط عدم توانایی براندازی حکومت غیر اسلامی و بنابر عمل به احکام ثانویه جهت تضمین مصالح امت بوده است (قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۸؛ عنایت، ۱۳۶۲: ۵۴-۵۵)؛ برای نمونه پذیرش نظم سیاسی در حکومت‌های غیر اسلامی در شرایطی که امکان تشکیل حکومت اسلامی فراهم نیست؛ تقیه نام دارد بر اساس قاعده تقیه به عنوان یکی از اصول و احکام قطعی فقه سیاسی در عصر حاکمیت حاکمان غیر اسلامی، در عصر حضور و در غیبت امام معصوم تعامل با حاکم جائز و پذیرفتن احکام قضایی و مالی او تحت این عنوان جایز شمرده می‌شود (بهبهانی، بی تا: ۵۸۲).

۲-۳. اشکال تعامل با حکومت‌های غیر اسلامی

تعامل و همکاری با حکومت‌های غیر اسلامی بر پایه پذیرش نظم سیاسی موجود بر اساس مبانی ذکر شده در سه دسته قابل تقسیم‌بندی است. به عبارت دیگر مردم در دوره‌هایی که امکان مقابله و براندازی حکومت غیر اسلامی وجود ندارند تحت رهبری ولی شرعی به تعامل با چنین حکومت‌هایی اقدام می‌کنند که این تعامل با توجه به مبانی آن در چند دسته تقسیم می‌گردد:

۲-۳-۱. تعامل بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر

فقهها در طول تاریخ ضمن پذیرش حکم حرمت رجوع به حکومت‌های غیر اسلامی و قبول اصل لزوم عدم همکاری با آنان (قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶-۶)؛ قائل به تصحیح حرکت چنین حکومت‌هایی بر مبنای وجوب امر به معروف و نهی از منکر گردیده‌اند.^(۱۳) به بیان دیگر هنگامی که مسلمانان قادر به تشکیل حکومت اسلامی نیستند نباید در برابر چنین حکومتی سکوت نمایند بلکه باید تا حد امکان و از طریق به‌کارگیری شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر در جهت اجرای احکام الهی در نظام سیاسی اقدام نمایند. براین مبنا عموم مسلمانان موظفند بر پایه این واجب الهی در برابر اعمال نامشروع حکومت از باب نهی از منکر واکنش نشان دهند و او را نهی از منکر و امر به معروف نمایند و از این طریق اجرای احکام شرعی در جامعه را تضمین نمایند (حسنلو، ۱۳۸۸: ۲۰۴). این حداقل وظیفه مسلمانان در تعامل با حکومت‌های غیر اسلامی در راستای انجام تکالیف اجتماعی دینی می‌باشد. به این ترتیب اصلاح مسیر حکومت به واسطه فشارهای اجتماعی مردم مهمترین اثر تعامل با حکومت‌های غیر اسلامی بر پایه امر به معروف و نهی از منکر است.

۲-۳-۲. تعامل بر بنای مصلحت

مصالح عمومی، مصالح و تشخیص خیر و صلاح عمومی گروه وسیعی از مردم یک منطقه یا مملکت است که حکومت وظیفه حفاظت از آن را برعهده دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۶۵۵). بر اساس فقه شیعه نیز مصلحت به معنای ضرورت حفظ حاکمیت اسلامی و حفظ نظام دین و حراست و مراقبت از اصل اسلام و مسلمین است. به عبارت دیگر اصل مصلحت به عنوان یکی از اصول مورد اتفاق شیعیان، حفاظت از نظام دین و حیثیت مسلمین را تضمین می‌نماید (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۲۴۸-۲۴۷). از آن جا که حفاظت از اصل اسلام و مسلمین به عنوان یکی از اوامر خداوند متعال همواره مور تأکید قرار گرفته است؛^(۱۴) در دوره‌ای که امکان تشکیل حکومت اسلامی موجود نیست، وظیفه پاسداری از اصل اسلام همچنان بر عهده مسلمانان باقی است و بر مبنای قاعده مصلحت، احکام اولیه شریعت اسلام به حکم ثانویه تغییر می‌یابد. برای نمونه حکم دریافت هدایا از حکومت غیر اسلامی از آن جا که معمولاً آمیخته با حرام است مشمول حکم حرمت می‌گردد اما فقهای شیعه با استناد

به اصل مصلحت این امر را مباح می‌دانند.^(۱۵) علاوه بر آن که مصلحت یکی از پایه‌های فقهی تعامل با حکومت‌های غیر اسلامی می‌باشد به عنوان یکی از راهکارهای حفظ کیان مسلمین نیز قابل مطالعه است. هر برخوردی با حکومت‌های غیر اسلامی در جهت حفظ مصالح امت و اسلام در حدود شریعت مقدس بر اساس قاعده مصلحت قابل توجیه است (همان: ۲۸۱-۲۸۰). بحث از پذیرش مسئولیت‌های حکومتی از طرف حکومت‌های غیر اسلامی نیز در جهت حفظ کیان اسلام و اجرای احکام شریعت مقدس به وسیله مسلمانان نیز به عنوان فرعی بر قاعده مصلحت مورد توجه قرار گرفته است. بر مبنای آراء فقهای شیعه حکم اولی و قطعی در پذیرش مسئولیت و همکاری با حکومت‌های غیر اسلامی حکم حرمت است اما همانگونه که بیان شد این حکم با توجه به شرایط و اقتضائات به احکام ثانویه مبدل گشته و دارای استثنائاتی می‌باشد. به همین علت فقها در ذیل مباحث حکومت جائزانه در عصر غیبت به بیان حکم تکلیفی پذیرش مسئولیت از حکومت‌های غیر اسلامی پرداخته‌اند و آن را در طیفی از احکام حرام، مباح و واجب تقسیم‌بندی نموده‌اند. حکم حرمت متعلق به همان اصل اولیه رجوع به حکومت‌های غیر اسلامی است که در شرایط معمول پذیرش منصب از آنها حرام می‌باشد (انصاری، ۱۳۶۸: ۷۵).^(۱۶) این در حالی است که اگر فرد مسلمان از ناحیه حکومت غیر اسلامی مورد تهدید قرار گرفته است و در صورت عدم پذیرش مسئولیت از ناحیه حکومت اموال و زندگیش احتمالاً در معرض خطراتی قرار می‌گیرد و این خطرات احتمالی برای او قابل تحمل است حرمت و قبح پذیرش مسئولیت از عهده او ساقط می‌گردد و قبول مسئولیت برای او مباح است (سید مرتضی، ۱۳۸۰: ۲۲۵). بعد از ذکر موارد حرمت و اباحه پذیرش نوبت به محل اصلی نزاع یا موارد وجوب قبول مسئولیت از ناحیه حکومت غیر اسلامی می‌رسد. همان‌طور که پیش از این اشاره گردید تشخیص مصالح عمومی مسلمانان از اموری است که نیازمند به دقت و تأمل در منابع دینی است و از سوی دیگر در صورت حکم به حرمت همکاری با حکومت‌های اسلامی در همه شرایط تعیین و تشخیص مصالح امت بر عهده غیر متخصصان از این امر قرار می‌گیرد. به همین دلیل فقها ضمن توجه به این اصل ایفای مسئولیت در حکومت‌های غیر اسلامی را در صورتی که اطمینان حاصل گردد که در پرتو آن اجرای حدود الهی، امر به معروف و

نهی از منکر و سایر امور مرتبط با شریعت در میان مسلمانان اجرا می‌گردد را واجب می‌دانند^(۱۷) (محمد بن حسن (توسی)، ۱۴۰۰: ۳۷۵). به عبارت دیگر در صورتی که مصالح عمومی مانند اجرای حقوق الهی در جامعه متوقف بر قبول و اجرای مسئولیت به وسیله امت اسلامی تحت نظارت فقیه جامع‌الشرایط باشد بر آنها واجب است که این مقام حکومتی را بپذیرند و در جهت تحقق هر چه بیشتر اوامر الهی در جامعه کوشش نمایند (سید مرتضی، ۱۳۸۰: ۲۲۵). لازم به ذکر است پذیرش مسئولیت در حکومت‌های غیر اسلامی تنها در جهت اجرای احکام اسلامی و بر اساس مبانی ذکر شده از شمول حکم حرمت خارج می‌گردد و هرگونه عملی در راستای تأیید اعمال غیر مشروع حکومت جایز نیست^(۱۸) (طباطبایی فر، ۱۳۹۱: ۲۲۱)؛ بنابراین فقهای شیعه به استناد آیه «یوسف گفت: مرا بر خزانه‌های این سرزمین (مصر) بگمار، زیرا که من نگهبانی دانا هستم»^(۱۹) (یوسف/۵۵) و بنابر قاعده مصلحت و به منظور انجام خدمات عمومی و احیای مصالح جمعی مسلمانان از حکم حرمت پذیرش مسئولیت از حکومت غیر اسلامی خارج می‌دانند (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۲۸۰).

۲-۳-۳. تشکیل دولت در دولت

یکی دیگر از راهکارهای مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی ایجاد تشکیلات موازی با تشکیلات حکومتی تحت نظارت ولی الهی و سپردن زمام برخی از امور مانند حل و فصل دعاوی و پرداخت وجوهات شرعی به اوست که در ادبیات رایج علوم سیاسی از آن تحت عنوان «دولت در دولت» یاد می‌شود که نمونه‌هایی مانند شبکه وکالت در دوران اهل بیت عصمت و طهارت نیز نشانگر استفاده از همین راهبرد است. بررسی سیره ائمه معصومین به عنوان پیشوایان دین و امت اسلامی در تبعیت از آنان نشانگر نوع دیگری از تعامل با حکومت‌های غیر اسلامی است؛ این شیوه برخورد که به ویژه در دوران امامت حضرت امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) بارز بوده؛ ضمن تأیید اصل حرمت رجوع به طاغوت به علت عدم امکان تشکیل حکومت اسلامی و عدم توانایی مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی اتخاذ گردیده است. بر این اساس حاکمان مشروع که از ناحیه خداوند متعال برای اداره امور حکومت اسلامی معین گردیده‌اند به هر دلیلی امکان اعمال ولایت ندارند و ضمن پذیرش نظم سیاسی حاکم در جامعه تدابیری در راستای جلوگیری از نفوذ حکومت غیر اسلامی در میان

مسلمانان و اجرای احکام اجتماعی اسلام اتخاذ می‌نمایند.

مفهوم شبکه وکالت تعیین نمایندگانی از ناحیه اهل بیت (علیهم‌السلام) جهت پیشبرد امور شیعیان است. این جریان از عصر امام صادق (ع) آغاز گردید (بهارلویی ۱۳۸۶: ۲۶). از آنجا که اهل بیت عصمت و طهارت حاضر به ارجاع امت اسلامی به حکومت‌های غیر اسلامی نبودند ضمن طراحی نظامی برای عدم رجوع شیعیان به این حکومت‌ها؛ نظم سیاسی موجود را نیز می‌پذیرند. آن بزرگواران با انتصاب افراد صالح و شایسته و مورد اعتماد به عنوان وکلای خود اداره امور شیعیان را به آنها می‌سپارند. بر مبنای شبکه وکالت نمایندگان ائمه معصومین در سراسر جهان اسلام بسیاری از وظایفی را که مردم به واسطه آنها مجبور به مراجعه به حکومت‌های غیر اسلامی می‌باشند را برعهده می‌گیرند. جمع آوری خمس، زکات، نذورات و هدایا، حل و فصل دعاوی، پاسخ‌گویی به مشکلات و سؤالات عقیدتی و فقهی امت از یکسو و ارائه آنها به همراه گزارشی از وضعیت شیعیان به خدمت امامان معصوم وظایف اصلی وکلا به حساب می‌آمد (پیشوائی، ۱۳۸۹: ۵۷۰). به این ترتیب نظم سیاسی حاکم بر جامعه اسلامی که توسط حکومت‌های غیر اسلامی اداره می‌گردید در ظاهر به رسمیت شناخته می‌شد اما شیعیان با مراجعه به وکلا و ارائه وجوهات شرعی، ارجاع خصومت‌ها و حل مشکلات عقیدتی و فقهی خود از این طریق از یک سو مشروعیت حکومت غیر اسلامی را به چالش می‌کشیدند و از سوی دیگر برخی از امور مرتبط با شئون حکومت را به حاکم منصوب الهی ارجاع می‌دانند و به تعبیر دیگر در حکومت غیر اسلامی، حکومتی اسلامی تشکیل می‌دانند.

نتیجه‌گیری

به حکم قاعده عقلی تشکیل حکومت در همه اعصار لازمه زندگی مسئولانه انسان است و خداوند متعال با توجه به این مهم از یک طرف رجوع به حکومت‌های غیر اسلامی را ممنوع نموده و از طرف دیگر به عنوان مقدمه‌ای برای تشکیل حکومت اسلامی مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی را لازم و ضروری می‌داند. به همین علت امت اسلامی موظف است با به کارگیری راهکارهای مختلف اقدام به مبارزه با حکومت‌های غیر اسلامی نمایند. براندازی حکومت‌های غیر اسلامی اولویت اصلی در این مقابله است چرا که تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام الهی بدون تشکیل

حکومتی مبتنی بر قواعد دینی غیر ممکن خواهد بود و تشکیل حکومت اسلامی نیز مستلزم براندازی حکومت‌های غیر اسلامی است. مبانی فقهی مانند امر به معروف و نهی از منکر و، جهاد، مبارزه با ظالم و... نیز مؤید این حکم است. اما در عرصه انقلاب و براندازی بر اساس ترتیبات و شرایط امر به معروف و نهی از منکر عمل می‌گردد و باید از راهکاری استفاده نمود که کمترین ضرر و بیشترین فایده را به همراه دارد هر چند در صورت عدم دستیابی به نتایج مطلوب و در صورت وجود شرایط، قیام و مبارزه مسلحانه علیه حکومت‌های غیر اسلامی نیز جایز خواهد بود. احکام فوق در دوره‌هایی جاری است که مردم با حضور در صحنه ولی الهی را یاری نمایند و با پذیرش رهبری انقلاب توسط او، شرایط انقلاب و براندازی نرم حکومت را مهیا سازند. اما در صورتی که امکان تشکیل حکومت اسلامی نیست با استفاده از مبانی دینی مانند تقیه، مصلحت، ضرورت و... حکم به تعامل با حکومت‌های غیر اسلامی در راستای تحقق احکام شرعی در عرصه اجتماعی می‌گردد. تعامل به معنای همکاری و همزیستی با حکومت‌های غیر اسلامی در جهت تصحیح حرکت حکومت‌ها و اجرای هر چه بیشتر احکام الهی در سطح اجتماع است. امر به معروف و نهی از منکر، تعامل بر مبنای تشخیص و اجرای صحیح مصالح امت و تشکیل دولت در دولت یا شبکه وکالت جهت ارتباط و ارجاع امور مرتبط با شئون حکومت به فرد ماذون از ناحیه خداوند از اقسام تعامل با حکومت‌های غیر اسلامی می‌باشد. اما با مراجعه به آیات و روایات وادله فقهی مانند جهاد، ادله امر به معروف و نهی از منکر، و سیره پیامبر اکرم (ص) ائمه معصومین می‌توان استنباط نمود که تشکیل حکومت اسلامی مبتنی بر حق و مقابله با حکومت‌های غیر اسلامی و مبارزه با فساد و ستم، ریشه در روح احکام اسلام دارد، بنابر این فراهم نمودن مقدمات این امر واجب است و می‌بایست در حد توان در راستای تحقق آن اقدام نمود هرچند چگونگی و حدود آن بر حسب زمان و مکان و شرایط و امکانات، متفاوت است.

یادداشت‌ها

۱- لازم به ذکر است که جهت لزوم تشکیل حکومت اسلامی دلایل عقلی و نقلی متعددی قابل بیان است اما اجرای احکام اجتماعی اسلامی برای اثبات مدعا کفایت می‌نماید. برای بررسی دلایل ر.ک: محسن اراکی، نظریه الحکم فی الاسلام، مجمع اندیشه اسلامی، ۱۴۲۵ق، ص ۲۳۹ به بعد.

۲- «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله» فتح/۲۸.
۳- ر.ک:

۱- کعبی عباس، شرح فقهی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل اول)، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۲، صص ۱۸-۱۲.
۲- ورعی وناصری، مبانی فقهی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی، حکومت اسلامی، ۱۳۸۸، صص ۱۵۵-۱۸۸.

۴- برای مطالعه بیشتر ر.ک: وحید بهبهانی، حاشیه مجمع الفائدة و البرهان، مؤسسه علامه المجدد الوحید البهبهانی، بی تا، ص ۵۸۲.
۵- مسأله ۲۶۸۱: اگر می‌داند که نصیحت تأثیر ندارد:

۱- با احتمال تأثیر، واجب است او را مورد امر و نهی الزامی قرار دهد.
۲- و اگر تأثیر نمی‌کند مگر با تشدید در گفتار و تهدید بر مخالفت، همان امر لازم است، لکن باید از دروغ و معصیت دیگر دوری کند.

۶- نافرمانی مدنی (Civil Disobedience) حرکتی سیاسی است که در آن افراد یک جامعه بر اساس ضوابط اخلاقی، از پیروی کردن از فرمان قدرتمندان جامعه و یا نمادهای قدرت موجود در جامعه سرباز می‌زنند امروزه ترکیب «نافرمانی مدنی»، بیانگر همه فعالیت‌های سیاسی است که حول محور «عدم خشونت» در مبارزه با قدرت دولتی و نمادهای آن و یا در مبارزه با قوانین مشخص تصویب شده شکل می‌گیرد. در این مورد، افراد مشروعیت قوانین تصویب شده را با استناد به ضوابط اخلاقی یا عقلانی شدیداً زیر سؤال می‌برند. (دانش نامه در علم سیاست، علی رحیق اعضان و مارک گلی، انتشارات فرهنگی صبا، ۱۳۸۴).

۷- جهت ملاحظه و بررسی دلایل ر.ک: منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۲، ص ۳۹۰ به بعد.

۸- چهارم: نبودن مفسده در امر و نهی:

۱- اگر بداند یا گمان کند که در اثر امر و نهی، ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی

قابل توجه به او می‌رسد، امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست.

۲- حتی اگر احتمال صحیح بدهد که ضررهای مذکور به او می‌رسد، امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست.

۳- حتی اگر برسد که ضرری متوجه متعلقان او می‌شود، واجب نیست.

۴- حتی با احتمال وقوع ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی موجب حرج بر بعضی مؤمنین، واجب نمی‌شود، بلکه در بسیاری از موارد حرام است (خمينی، سيد روح الله، توضیح المسائل، بیجا، ۱۴۲۶، ص ۵۹۶).

۹- مصلحت در اصطلاح به معنای سبب رسیدن به مقصود شارع و به دست آوردن آن است اعم از عبادت که مربوط به حق خود شارع است یا عادت که برای نفع بندگان و انتظام معاش و احوال آنهاست (جابری عرب‌لو، محسن، فرهنگ اصطلاحات فقه فارسی، ص ۱۶۱).

۱۰- براساس این قاعده هر محظوری اعم از حرام و ترک واجب و تأخیر واجب فوری هرگاه انجامش ضرورت پیدا کند، مباح خواهد شد. مراد ما از ضرورت در اینجا احتیاج شدید است به گونه‌ای که اگر آن محظور انجام نگیرد، حرامی بزرگتر انجام و یا واجبی بزرگتر فوت خواهد شد. از مصادیق این قاعده اباحه شرب خمر بر تشنه‌ای است که مایع دیگری نمی‌یابد و در معرض هلاک است، نیز نوشیدن آن به عنوان دارو در جایی که معالجه منحصر به مصرف آن باشد و خوردن گوشت مردار در جایی که بقای حیات فرد در گرو آن است (وطني امیر، بررسی فقهی اضطراب و ضرورت، نشریه علوم انسانی (شماره ۷۱)، ۱۳۸۱، ص ۱۸۹).

۱۱- تقیه در اصطلاح شرع، صیانت خویش از صدمه دیگری با ابراز همسویی با او در گفتار یا رفتار مخالف حق؛ و به تعبیر برخی، پنهان کردن حق و پوشاندن اعتقاد به آن در برابر مخالفان به منظور تحفظ از زیان دینی و دنیایی می‌باشد. در منابع اسلامی، تقیه به معنای نگاهداری خود از صدمه دیگری است از راه ابراز موافقت با او در گفتار یا رفتار مخالف حق و به تعبیر شیخ مفید پنهان کردن حق و پوشاندن اعتقاد به آن در برابر مخالفان، به منظور اجتناب از ضرر دینی یا دنیایی است. از جمله اغراض عقلایی که می‌تواند تقیه را موجه سازد، مصون ماندن تقیه کننده از تعرض ظالمان و رهایی از خطرهایی مانند حبس، تبعید، قتل، مصادره اموال و محرومیت از حقوق قانونی است. فواید تقیه: یگر فواید مهم تقیه عبارت‌اند از پیشگیری گروه تقیه کننده از هدر رفتن قوای خود به منظور بهره‌برداری بیشتر از فرصت‌های مناسب، حفظ وحدت امت اسلامی و جلوگیری از ایجاد تفرقه و اختلاف. با توجه به همین آثار سودمند تقیه، امیر مؤمنان حضرت علی علیه‌السلام تقیه را رحمت الهی بر مؤمنان خوانده‌اند (سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۲، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۴۲۶ق).

۱۲- عارض شدن حالاتی مانند عسر و حرج و ضرر و یا مقدمیت که سبب وجوب مقدمه می‌شود و یا تقیه که بعضی از احکام را تغییر می‌دهد. در این گونه موارد، احکام ثانویه، احکام اولیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به حکم دیگری مبدل می‌سازد (آیت‌الله مکارم شیرازی، دائرة المعارف فقه مقارن، ج ۱).

۱۳- برای نمونه جهت آشنایی با آراء فقها ر.ک:

۱- رساله فی العمل مع السلطان، سید مرتضی، فصلنامه علوم انسانی، سال چهارم، شماره ۲ (پیاپی ۱۴)، ۱۳۸۰، ص ۲۵۵.

۲- اوایل المقالات فی المذاهب و المختارات، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، نشر آذینه گل مهر، ۱۳۸۸، ص ۹۴.

۱۴- در ادبیات فقهی غالباً از این موضوع تحت عنوان حفظ بیضه اسلام یاد شده است.

۱۵- برای مطالعه بیشتر ر.ک: شیخ انصاری، کتاب مکاسب، ج ۱، ص ۲۰۴.

۱۶- معونه الظالمین فی ظلمهم حرام بالادله اربع و هو من الکبائر و...

۱۷- و أمّا سلطان الجور فمتی علم الانسان أو غلب علی ظنّه أنه متى تولّى الأمر من قبله امکنه التوصل إلى اقامة الحدود و الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر و قسم الأخماس و الصدقات فی اربابها و لا یكون فی جمیع ذلك محلاًّ بواجب و لا فاعلاًّ لقبیح فانه یستحب له أن یتعرض لتولّى الأمر من قبلهم.

۱۸- مسأله ۲۶۷۷. ارتباط علما با ظلمه: اگر ارتباط علمای اعلام با ظلمه، موجب تقویت آنها شود، یا موجب تبرئه آنها پیش افراد بی اطلاع شود، یا موجب جرأت آنها گردد، یا موجب هتک مقام علم شود، واجب است ترک آن (خمینی، توضیح المسائل، ۱۴۲۶ق، ص ۶۰۰).

۱۹- اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۴)، مبانی سیاست، ج ۱، انتشارات توس.
۳. احمدی، محمدرضا (۱۳۸۱)، تحول مفهوم حاکم جائر در فقه سیاسی شیعه، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. اراکی، محسن (۱۴۲۵ق)، نظریه الحکم فی الاسلام، مجمع اندیشه اسلامی.
۵. ارسطو، محمدجواد (۱۳۸۱)، جایگاه تکلیف الهی و بیعت در قیام امام حسین (ع) حکومت اسلامی، (شماره ۷)، ص ۱۱۸-۱۴۹.
۶. افتخاری، اصغر، و همکاران (۱۳۸۷)، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، انتشارات امام صادق(ع).
۷. انصاری، مرتضی (۱۳۶۸)، مکاسب، مکتب علامه.
۸. بهارلویی، عبدالله (۱۳۸۶)، امام عسگری و شبکه وکالت، شمیم یاس.
۹. بهبهانی، وحید، حاشیه مجمع الفائدة و البرهان، مؤسسه علامه المجدد الوحيد البهبهانی، بی تا.
۱۰. پیشوائی، مهدی (۱۳۸۹)، سیره پیشوایان، مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق.
۱۱. جابری عربلو، محسن (۱۳۶۲)، فرهنگ اصطلاحات فقه فارسی، انتشارات امیر کبیر.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۱، گنج دانش.
۱۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸)، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش.
۱۴. حسنلو، امیر (۱۳۸۸)، فیض و حکومت، حکومت اسلامی، شماره ۱۴، صص ۱۹۹-۲۲۴.
۱۵. حلبی، ابوصلاح (۱۴۰۴ق)، تقریب المعارف، انتشارات الهادی.
۱۶. (امام) خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۵ق)، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۷. (امام) خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۶ق)، توضیح المسائل، [بی جا].
۱۸. (امام) خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۴)، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۹. داداشی، محمد علی، پگاه حوزه، ۱۳۸۶، ص ۴ به بعد.

۲۰. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، دانشگاه تهران، بی تا.
۲۱. رحیق اعضان، علی و مارک، گلی (۱۳۸۴)، دانش‌نامه در علم سیاست، انتشارات فرهنگی صبا.
۲۲. سید مرتضی (۱۳۸۰)، رساله فی العمل مع السلطان، فصلنامه علوم انسانی، سال چهارم، شماره ۲ (پیاپی ۱۴).
۲۳. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۰)، جنگ نرم، مؤسسه امام خمینی.
۲۴. عبد الرحمان، محمود، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، ج ۲، بی تا، بی جا.
۲۵. علی بابایی، غلام رضا (۱۳۶۹)، فرهنگ علوم سیاسی، نشر ویس.
۲۶. عمید زنجانی (۱۳۸۹)، قواعد فقه عمومی، سمت.
۲۷. عمید زنجانی (۱۴۲۱ق)، فقه سیاسی، ج ۲، انتشارات امیر کبیر.
۲۸. عنایت، حمید (۱۳۶۲)، اندیشه سیاسی اسلام، خوارزمی.
۲۹. طباطبایی فر، سید محسن (۱۳۹۱)، نظام سلطانی، نشر نی.
۳۰. قدوسی‌زاده، حسن (۱۳۹۰)، اصطلاحات سیاسی فرهنگی، دفتر نشر معارف.
۳۱. قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲)، قاموس قرآن، ج ۲، دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. قلی‌زاده، احد الله (۱۳۹۰)، مبانی همکاری علما با دولتهای جور، فصلنامه کوثر معارف.
۳۳. کعبی، عباس (۱۳۹۲)، شرح فقهی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل اول)، مرکز تحقیقات شورای نگهبان.
۳۴. گی‌روشه (۱۳۶۶)، تغییرات اجتماعی، منوجهر وثوقی، نشرنی.
۳۵. لنکرانی، محمد فاضل (۱۴۲۶ق)، رساله توضیح المسائل، صدوچهاردهم.
۳۶. محمد بن حسن (طوسی) (۱۴۰۰ق)، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، دارالکتاب العربی.
۳۷. محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید) (۱۳۸۸)، اوایل المقالات فی المذاهب و المختارات، نشر آذینه گل مهر.
۳۸. محمدی، منوچهر (۱۳۸۰)، انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدها، دفتر نشر معارف.
۳۹. معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی معین، امیرکبیر.
۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۷، انتشارات صدرا.
۴۱. منتظری نجف‌آبادی، حسین علی (۱۴۰۹ق)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مؤسسه کیهان، ترجمه محمود صلواتی و ابو الفضل شکوری، ج ۲.

۴۲. نخعی، هادی (۱۳۹۰)، انقلاب بغرنجی در مفهوم تحول در مصداق، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۴، صص ۱۷۰-۱۳۱.
۴۳. ورعی و ناصری (۱۳۸۸)، مبانی فقهی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی، حکومت اسلامی، صص ۱۵۵-۱۸۸.
۴۴. وزیری، علیرضا (۱۳۹۰)، جنگ نرم، نشریه مبلغان، شماره ۱۴۵، ۱۱۱-۱۰۰.
۴۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل‌های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایضا و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه‌ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir